

نگاهی به جایگاه بزه

«رعایت نکردن حجاب شرعی»

در نظام حقوقی ایران

محمد هادی ذاکر حسین

چکیده: جرم انگاری «رعایت نکردن حجاب شرعی» به وسیله بانوان در قانون مجازات اسلامی، زمینه‌ساز بهره‌گیری از راه‌کارهای قضایی و انتظامی در برخورد با پدیده «بدحجابی» است. جرم‌شناسی و تحلیل این بزه جرم‌زای اجتماعی، راه‌کار مناسبی برای بازشناسی قلمرو وظایف و اختیارات هر یک از قوای اجرایی و قضایی در حوزه «تعقیب» و «دادرسی» بزه یاد شده است. عمل‌کرد منفعلانه و پراکنده نهاد‌های مسئول در برخورد با بی‌حجابی به عنوان یکی از مصداق‌های «انحرافات اجتماعی» سبب رشد و گسترش لجام‌گسیخته این پدیده در میان گروه‌های گوناگون اجتماع شده است، به گونه‌ای که امروزه این اپیدمی فراگیر، امنیت و سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره افکنده است.

این نوشتار، با تحلیل جرم رعایت نکردن حجاب شرعی به بازبینی



وضعیت بزه بی‌حجابی در نظام حقوقی ایران و ترسیم وظایف نهادهای حکومتی بر اساس آن می‌پردازد تا رویه واحدی در برخورد با جرم یادشده پدید آید.

واژگان کلیدی: حجاب شرعی، جرم مشهود، ضابطان دادگستری، مجازات قانونی.

مقدمه

«این شدت کیفر نیست که از جرم پیش‌گیری می‌کند، بلکه قطعی بودن یا حتمی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند.»^۱ این اندیشه باریک‌بینانه سزار بکاریا که در رساله جرایم و مجازات‌ها بیان شده، همان حلقه گم شده علت‌شناسی رشد و گسترش جرم در یک جامعه است. اصل مترقی «قانونی بودن جرم و مجازات» اگرچه توانسته است با تحدید و حیطة‌بندی جرایم و مجازات‌های مرتبط با هر یک، سدّی در مسیر دست‌اندازی قدرت حاکم به حقوق شهروندی افراد باشد، در پیش‌گیری از تعرض افراد به نظم عمومی جامعه اثر چندانی نداشته است. گنجاندن جرایم در قالب قوانین موضوعه با وضع مجازات‌های گوناگون به عنوان ضمانت اجرای ارتکاب هر یک از آنها، وقتی نتوانست رسالت «حقوق جزا» را در ایمن‌سازی حریم اجتماع محقق سازد، قانون‌گذار به گمان ناکارآمدی قوانین موجود، به وضع و تدوین قوانین جدید و تشدید مجازات‌های سابق پرداخت. این کار به جز تکرار مکررات و پیچیده شدن تصمیم‌گیری‌های قضایی به دلیل وجود قوانین متعارض و متزاحم، نتیجه‌ای برای تاریخ حقوق کشور در پی نداشت. این دور قانون‌گذاری در حالی تداوم یافته است که اهتمام برای اجرای قوانین مصوب، در فاصله کوتاهی پس از زمان تصویب آن کم‌رنگ می‌شود.

توجه به گستره انکارناپذیر تهاجم فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب، با وجود دو دهه قانون‌گذاری در این زمینه در کنار بررسی سیاست‌گذاری‌های مقطعی نهادهای حکومتی و ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران، ما را به همان نتیجه‌ای می‌رساند که منتسکیو در کتاب روح القوانین، آن را چنین بیان کرده است:

با بررسی تمامی لایقیدی‌ها ملاحظه می‌شود که وقوع جرایم ناشی از بی‌کیفر ماندن جنایات است و نه تعدیل و کمی مجازات‌ها.^۲

«رعایت نکردن حجاب شرعی در انتظار عمومی» از چشم‌انداز حقوقی پیش از آن‌که به عنوان یک آسیب اجتماعی و بیماری، نیازمند بهره‌گیری از درمان متناسب با خود باشد، «جرم» مسلمی است که جرم‌انگاری آن برخاسته از ضرورت واکنش اجتماعی در برابر آن به عنوان فعلی است که به «حالات قوی و مشخص وجدان جمعی» تعرض کرده است.^۳ به یقین، مسامحه در اجرای قانون و قصور یا تقصیر متولیان حکومتی در نادیده‌انگاشتن قوانین موجود، علت مهمی در رشد لجام‌گسیخته بزه جرم‌زای رعایت نکردن حجاب شرعی است که فروپاشی امنیت اخلاقی و معنوی جامعه و تزلزل بنیان خانواده را در پی می‌آورد. واقعیت محسوس و مشهود امروز جامعه ایران که علم‌آورتر از آمار رسمی است، بیان‌گر عمل‌کرد ناصواب و بدون بازده دستگاه قضایی به عنوان متولی تعقیب متهمان و مجرمان و ضابطان زیر نظرش در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی است.

این نوشتار، با بررسی آیین دادرسی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، این حقیقت را تبیین می‌کند که برخلاف فرافکنی‌های جنجالی جریان‌های رسانه‌ای و شانه‌خالی کردن نهادهای مسئول از وظیفه خود با استناد به نبود قوانین لازم برای برخورد با جرم ظاهر شدن بدون حجاب در انتظار عمومی، در میان قوانین جمهوری اسلامی ایران مقررات معتبر و نافذی دارد که از دیدگان

۲. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزا، ص ۷۲.

۳. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۳.



بسیاری به سهو یا عمد پنهان مانده است. بنابراین، اجرای این مقررات، گام مؤثری در عرصه سلبی برخورد با پدیده «بی حجابی» خواهد بود.

۱. تحلیل ماهوی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی

«دادرسی» در معنای اخص خود به مجموعه عملیات و تشریفات می‌گویند که برای پیدا کردن راه حلی قضایی از آن بهره می‌گیرند.^۴ آیین دادرسی بزه رعایت نکردن حجاب شرعی ناظر به مراحل پنج‌گانه دادرسی‌های کیفری؛ یعنی کشف، تعقیب، تحقیق، دادرسی و اجرای حکم است. چون موضوع دادرسی‌های کیفری فرع بر جرم بودن و جرم‌انگاری بزه‌های مورد بحث است، باید پیش از ورود به بحث تبیین دادرسی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، به تحلیل این جرم و بررسی عناصر تشکیل دهنده آن پرداخت.

الف) رکن قانونی

لازمه جرم‌انگاری یک فعل، وضع مجازات قانونی از سوی قانون‌گذار برای آن است؛ زیرا تنها «هر فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».^۵ تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)، رکن قانونی تشکیل دهنده جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. بر اساس این تبصره، «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». تقیید عنوان حجاب به وصف «شرعی» بودن دلالت بر آن می‌کند که مرجع تعریف حجاب مورد نظر قانون، شارع مقدس و فقه امامیه

۴. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۷۳.

۵. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».

است. رجوع به منابع اسلامی یا فتواهای معتبر فقهی برای رفع ابهام یا اجمال از قوانین موضوعه، راه حلی است که قانون اساسی ایران آن را تجویز کرده است.^۶ در تعریف و حدود حجاب شرعی، آنچه در فقه امامیه بر سر آن اجماع شده، آن است که تمام بدن زن به جز صورت (وجه) و کف دستان (کفین)، در حکم عورت است و زن باید آن را از دیدگان بیگانه پوشاند.^۷ بنابراین، ایراد نبود تعریف قانونی درباره حجاب هیچ اعتباری ندارد و بیان آن، نشانه ناآگاهی گوینده آن از مبانی نظام حقوقی ایران است.

پیش از وضع ماده ۶۳۸ ق. م. ا. در سال ۱۳۷۵، مستند قانونی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، ماده چهار قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند» (مصوب ۱۳۶۵) بود. برابر این ماده، «کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد، به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده دو محکوم می‌گردند.» ماده ۶۳۸ ق. م. ا.، ورود خاص بر عام است؛ زیرا ماده چهار برای همه اشخاص عمومیت دارد، ولی قانون مجازات اسلامی تنها به جرم نداشتن حجاب شرعی در زنان اختصاص یافته است. بنابراین، قانون مجازات اسلامی در حدود تعارض، قانون سابق خود را تخصیص زده است. البته قانون یادشده هم چنان به اعتبار خود باقی بوده و مستند قانونی برای

۶. اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۷: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

۷. به نقل از: محمد جواد مغنیه، الفقه علی مذاهب الخمسه، ترجمه: هادی عظیم گرگانی، ص ۱۰.

جرم رعایت نکردن پوشش شرعی از سوی مردان است. از سوی دیگر، هدف این قانون درباره شیوه برخورد انتظامی و قضایی با جرم ظاهر شدن بدون حجاب شرعی در انظار عمومی باید ملاک عمل قرار بگیرد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

محدوده تعارض این دو ماده، میزان مجازات مقرر در آنهاست. ماده دو قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند»، از مجازات‌های تعزیری به شرح زیر نام می‌برد:

۱. تذکر و ارشاد؛
۲. توبیخ و سرزنش؛
۳. تهدید؛
۴. ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از بیست تا دویست هزار ریال برای استفاده کننده؛
۵. بیست تا چهل ضربه شلاق یا جریمه نقدی از بیست تا دویست هزار ریال در مورد استفاده کننده.

این مجازات‌ها برای بزه کاران زن به دلیل وجود قانون خاص لاحق اعمال نمی‌گردد. بنابراین، مجازات زنان در رعایت نکردن حجاب شرعی منحصر در همان دو موردی است که ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مقرر کرده است.

آیین‌نامه اجرایی «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند» در جلسه ۱۳۶۸/۳/۲۰ به پیش‌نهاد شورای عالی قضایی به تصویب هیئت وزیران نخست‌وزیری رسید. ماده یک آیین‌نامه یادشده، کمیسیونی را به ریاست نماینده نخست‌وزیر به منظور «سیاست‌گذاری در امور اجرایی مبارزه فرهنگی با مظاهر فساد و ارشاد جامعه در این زمینه و تشخیص مصادیق یادشده در مواد یک، چهار و پنج قانون» تشکیل داد. دستگاه اجرایی

این کمیسیون نیز کمیته انقلاب اسلامی بود.^۸ با اصلاح قانون اساسی و حذف نهاد نخست وزیری از ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی، تشکیل کمیسیون مورد نظر این آیین نامه سالبه به انتفای موضوع و بی اثر شد.

اداره کل حقوقی ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۹ با تعمیم اشتباه اعتبار نداشتن آیین نامه اجرایی به قانون مربوط، مخالفت خود را با استناد محاکم قضایی به این قانون در مبارزه با ناهنجاری های اجتماعی، چنین بیان کرد:

در مورد لزوم تشکیل کمیسیون موضوع ماده یک آیین نامه «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آنها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند» متذکر می گردد اصولاً در صورتی که کمیسیون مزبور، لباس ها، نشانه ها و سایر موارد مذکور در مواد ۱، ۴ و ۵ قانون را تعیین ننماید، جرم بودن عمل توسط مراجع قضایی [قابل] احراز نبوده...^۹

این نظریه غیر اصولی در حالی بیان شد که اعتبار نداشتن آیین نامه اجرایی، به اعتبار و لازم الاجرا بودن قانون مربوط، خللی وارد نمی سازد. از سوی دیگر، قوه قضاییه تا کنون برای تدوین آیین نامه جدید که بر اساس ماده ۸ «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات...» بر عهده اوست، اقدامی نکرده است. بنابراین، یگانه مستند قانونی برای جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از سوی بانوان، تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. است.

ب) رکن مادی

یک. رفتار مجرمانه

رفتار قوام دهنده جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، امری عدمی و سلبی

۸. ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آن ها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند».

۹. نظریه شماره ۴۶۸۳۴ تاریخ ۱/۷/۱۳۶۹ اداره کل حقوقی ریاست جمهوری.

است. به عبارت دیگر، «ترک فعل»، رفتار تشکیل دهنده این جرم است. این جرم عبارت است از رعایت نکردن و ترک انجام یک تکلیف قانونی که همان مراعات حجاب شرعی در انظار عمومی از سوی بانوان است. از ویژگی های جرایم مبتنی بر ترک فعل، سهولت اثبات آن است؛ زیرا این قبیل جرایم، امر حدوثی نیست که خلاف اصل عدم بوده و نیازمند اثبات باشد، بلکه امری عدمی و موافق با اصل است. باید دانست به کار بردن اصطلاح رایج «بدحجابی» در مورد جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از سوی زنان، مفهوم جامع و صحیحی نیست؛ زیرا رعایت نکردن حجاب شرعی، امری عدمی است در مقابل مراعات حجاب شرعی که امری ایجابی است. بنابراین، با دوران امر میان دو مفهوم «حجاب شرعی» و «نبود حجاب شرعی» روبه رو هستیم که قانون گذار نیز بدان تصریح کرده است. بدحجابی، اصطلاح نارسایی است که معنای ناقص و مبهمی از آن بر می آید. پس لفظ مناسب همان نبود حجاب شرعی است که ما از آن به «رعایت نکردن حجاب شرعی» تعبیر کرده ایم. برخلاف گمان عامه، از دیدگاه قانون، برهنه بودن تمام یا بخشی از موی سر یا هر بخش دیگری از بدن، بی حجابی به شمار می رود و ما عنوان مجرمانه ای به نام «بدحجابی» نداریم.

انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

دو. شخصیت بزه دیده

سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه و خانواده، حوزه هایی هستند که با تحقق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، آسیب می بینند. بنابراین، جرم مورد بحث در شمار جرایم عمومی است و تعقیب کردن مرتکب آن نیازمند دعوای شاکی خصوصی نیست. فلسفه جرم انگاری رعایت نکردن حجاب شرعی نیز پاس داری از امنیت اخلاقی جامعه است که اخلال در آن، زمینه ساز جرایم بسیار دیگری است. اهمیت پاس داری از شخصیت بزه دیده در این جرم، ضرورت اهتمام به جلوگیری از گسترش جرم یادشده را دوچندان می سازد.

سه . شخصیت بزه کار

اول- مرتکبان جرم رعایت نکردن حجاب شرعی بنا بر تصریح تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا.، منصرف به زنان است. پس جرم رعایت نکردن حجاب مطلوب شارع از سوی مردان در معابر عمومی مشمول این ماده نیست. برابر ماده ۳ ق.م.ا. : «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می گردد». بنابراین، با توجه به این حکم قانونی و اطلاق تبصره یادشده، همه زنانی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند، مکلف به رعایت حجاب شرعی هستند و عواملی مانند «مذهب» و «تابعیت» در تحقق این جرم مدخلیتی نخواهد داشت. پس اگر یک زن غیر مسلمان نیز بدون حجاب شرعی در انظار عمومی ظاهر شود، مرتکب جرم قابل مجازات گشته است. قاعده قانونی «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نمی باشد» در این جا نیز جاری است، به ویژه آن که امروزه حجاب شرعی، نمادی از اسلام^{۱۰} و از التزامات حتمی در جمهوری اسلامی به شمار می رود و صدق ادعای بیگانه مبنی بر ناآگاهی از قانون حجاب، بعید به نظر می رسد. در موردی که ارتکاب جرم رعایت نکردن حجاب شرعی در داخل هواپیمای واقع در قلمروی هوایی جمهوری اسلامی روی می دهد، بنا بر ماده ۳۲ «قانون هواپیمایی کشوری» (مصوب ۱۳۲۸)، «فرمانده هواپیما مکلف است تا زمانی که مداخله مأمورین صلاحیت دار میسر باشد، طبق قانون اصول محاکمات جزایی، تفتیشات و تحقیقات مقدماتی به عمل آورده، دلایل و مدارک جرم را جمع آوری و تأمین نماید».

در واقع، فرمانده هواپیما در این ماده، ضابط دادگستری به شمار می رود.

۱۰. آیت الله ناصر مکارم شیرازی در بیانی فرموده است: «حجاب برای ما در گذشته، فروع دین بود، اما در شرایط کنونی به اصول دین تبدیل شده؛ زیرا نماد اسلام است.» خبرگزاری رسا، ۱۳۸۵/۲/۸.

«رعایت نکردن حجاب شرعی در انظار عمومی» از چشم انداز حقوقی پیش از آن که به عنوان یک آسیب اجتماعی و بیماری، نیازمند بهره گیری از درمان متناسب با خود باشد، «جرم» مسلمی است که جرم انگاری آن برخاسته از ضرورت واکنش اجتماعی در برابر آن به عنوان فعلی است که به «حالات قوی و مشخص وجدان جمعی» تعرض کرده است.

دوم. «رعایت نکردن حجاب اسلامی» از سوی زنانی که کارمند دولت هستند علاوه بر جنبه کیفری، بنابر بند ۲۰ ماده ۸ «قانون رسیدگی به تخلفات اداری» (مصوب ۱۳۷۲)، تخلف اداری نیز به شمار می رود. «هیئت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» نیز مرجع رسیدگی به این تخلف است. این هیئت باید کارمند متخلف را به یکی از تنبیه های مقرر در ماده ۹ قانون یادشده از «اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدای» تا «انفصال دائم از خدمات دولتی در دستگاه های مشمول این قانون» محکوم کند. رأی هیئت یاد شده، حکم اداری است که جنبه کیفری ندارد. بنابراین، به دلیل مجرمانه بودن فعل رعایت نکردن حجاب اسلامی، این هیئت پس از رسیدگی به تخلف کارمند متخلف و احراز تخلف صورت گرفته باید پرونده مربوط را برای رسیدگی به محاکم قضایی ارجاع دهد. مستند این تکلیف، ماده ۱۹ «قانون رسیدگی به تخلفات اداری» است که چنین مقرر داشته است:

هرگاه تخلف کارمند، عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون، به تخلف، رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هرگونه تصمیم مرجع قضایی مانع اجرای مجازات های اداری نخواهد بود.

بی‌اعتنایی مسئولان امر به اجرای قانون در برخورد با کارمندانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، موجب گسترش این جرم در نهادهای حکومتی شده است. در این میان، قوه قضاییه نیز از این آلودگی در امان نبوده است، به گونه‌ای که رئیس این قوه در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۷ در بخش‌نامه‌ای به واحدهای قضایی، اداری و سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه چنین ابلاغ کرد:

گزارش اداره کل حراست و حفاظت قوه قضاییه حاکی از مشاهده پوشش نامناسب، آرایش غلیظ، آشکار بودن بخشی از موهای سر، بی‌تفاوتی برخی از کارکنان زن نسبت به تذکرات، عدم مراعات حجاب شرعی در بعضی از واحدها می‌باشد... . رئیس‌ان و مدیران واحدهای قضایی و اداری و سازمان وابسته به قوه قضاییه با اتخاذ تدابیر مقتضی جهت نظارت بر شئون شغلی و اداری کارکنان خود، در صورت مشاهده تخلف، به وظایف قانونی خود بر اساس بندهای ۱ و ۲۰ و ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۳۷۲ و سایر مقررات در این زمینه اقدام لازم به عمل آورند.

سوم - «عدم رعایت پوشش اسلامی یا استفاده از پوشش و آرایش مبتذل» عنوان تخلف اخلاقی دانش‌جویانی است که رسیدگی به آن در حدود اختیارات و وظایف کمیته‌های انضباطی دانشگاه و کمیته مرکزی انضباطی است. «آیین‌نامه انضباطی دانش‌جویان جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی، با تخلف شمردن بزه یادشده، تنبیه‌هایی از احضار و اخطار شفاهی گرفته تا منع موقت از تحصیل تا مدت ۲ نیم‌سال تحصیلی برای متخلفان در نظر گرفته است.^{۱۱} تبصره ۵ ماده ۷ این آیین‌نامه

۱۱. مواد ۶ و ۷ آیین‌نامه انضباطی دانش‌جویان جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه

۳۵۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی. به تاریخ ۱۳۷۴/۴/۲۰

مذکور نسبت به تخلفات دانش جویان، این صلاحیت اضافی را برای کمیته های انضباطی در نظر گرفته است که «هرگاه دانش جویی در خارج از محوطه دانشگاه مرتکب عمل خلافی شود که بنابر قوانین کشوری مستوجب کیفر باشد، رسیدگی به جرم ارتكابی در چهارچوب و ضوابط قوانین کیفری و جزایی، در صلاحیت مراجع قضایی است، اما کمیته انضباطی می تواند به موازات آن حسب ماده ۷ این آیین نامه تصمیم گیری کند».

بنابراین، کمیته های انضباطی دانشگاه ها می توانند با استناد به محکومیت های قضایی دانش جویان، درباره وضعیت تحصیل ایشان در دانشگاه تصمیم دیگری کنند.

چهارم. جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از جمله جرایم معاونت بردار است. بنابر ماده ۴۳ ق.م.ا.م، معاون در جرم کسی است که:

۱. دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتكاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.
۲. با علم و عمد، وسایل ارتكاب جرم را فراهم کند و یا طریق ارتكاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.
۳. عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

از جمله مصداق های معاونت در جرم مورد بحث، تهیه وسایل ارتكاب این جرم یعنی لباس هایی است که استفاده از آن در ملاعام خلاف شرع بوده و از مصداق های نداشتن حجاب شرعی موضوع ماده ۶۳۸ ق.م.ا.م باشد. بنابراین، تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و فروشندگان این نوع لباس ها مشمول بند دو ماده ۴۳ ق.م.ا.م هستند و تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت. البته قانون گذار با هدف پیش گیری از جرم و جلوگیری از گسترش وسایل جرم، این نوع معاونت در جرم را موضوع جرم مستقلی قرار داده است که مشمول قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده

از آنها در ملاعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند» می شود. از سوی دیگر، فردی که زنان را به هر شیوه ای به بی حجابی به عنوان یکی از مصداق های فساد تشویق می کند، به اتهام جرم مستقل موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا. تحت تعقیب قرار می گیرد.^{۱۲} خود زنان مرتکب جرم ظاهر شدن بدون حجاب نیز ممکن است به اتهام جرم تشویق به فساد تحت تعقیب قرار گیرند که در این فرض، با تحقق «تعدد معنوی» ارتکاب جرم، مجازات شان تشدید می شود.

چهار. وسیله ارتکاب جرم

به دلیل عدمی بودن رفتار مجرمانه جرم مورد بحث، وسیله در تحقق آن «موضوعیت» ندارد. به بیان دیگر، ظاهر شدن در هر وضعیتی که کفایت حجاب شرعی را نکند، مصداق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی به شمار می رود. نمایان بودن تمام یا بخشی از موی سر، آشکار بودن گردن و سینه به دلیل شیوه بستن روسری (مانند رسم عرب دوران جاهلیت)، استفاده از لباس های تنگ و بدن نما و آرایش صورت و دست ها همگی بخشی از مصداق های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی هستند. تشخیص مصداق های این جرم بر عهده دادگاه رسیدگی کننده است.

پنج. مکان ارتکاب جرم

مکان تحقق جرم یادشده، معابر و انظار عمومی است. حکم شماره ۴۱۳- ۱۳۶۱/۲/۳۱ دیوان عالی کشور، ما را در شناخت معابر عمومی یاری می رساند: مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به طور علنی اعم است از این که عمل در مرئی و منظر عمومی واقع شود و یا در مکانی

۱۲. ماده ۶۳۹ ق.م.ا. : «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند: ... (ب) کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.»

که مستعد عموم باشد و قصد مرتکب، پنهان نمودن محل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن آن تأثیری نخواهد داشت. بنابراین، ارتکاب عمل منافی عفت در پس کوچه و تاریکی شب مشمول ارتکاب عمل در علن خواهد بود.^{۱۳}

فضای درونی و سیله نقلیه شخصی در صورتی که قابل مشاهده و در منظر عموم باشد، مشمول عنوان «انظار عمومی» خواهد بود. پس در صورتی که راننده یا سرنشین و سیله نقلیه حجاب نداشته باشد، مرتکب جرم و نقض قانون شده است. بنابراین، ضابطان دادگستری باید با متوقف کردن چنین وسیله نقلیه ای، از فرار مجرم جلوگیری کنند. در این فرض، گرفتن مدرک شناسایی از فرد بی حجاب برای مراجعه بعدی به پاسگاه نیروی انتظامی و جاهت قانونی ندارد و استتکاف از تکلیف قانونی ضابطان مبنی بر توقیف فرد بی حجاب است.

شش. زمان ارتکاب جرم

عامل زمان در تحقق جرم یادشده مداخلیتی ندارد و رعایت نکردن حجاب شرعی در هر زمانی حتی در زمان خالی از تردد افراد در معابر عمومی، مرتکب را مستوجب مجازات می سازد.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

هفت. حصول نتیجه

جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از نظر حصول نتیجه مجرمانه، جرم «مطلق» است و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل عنصر مادی در آن، مرتکب را مستوجب مجازات قانونی می سازد. حصول نتیجه مجرمانه و در پی آن، وجود سوءنیت خاص از شرایط تحقق این جرم نیست. بنابراین، صرف مراعات نکردن حجاب شرعی در مناظر عمومی بدون در نظر گرفتن آثار منفی احتمالی مترتب بر آن یا بار نشدن چنین آثاری، موجب تحقق این جرم است.

ج) رکن روانی

یک. علم

جرم رعایت نکردن حجاب شرعی در شمار جرایم عمدی است. بنابراین، علم و اطلاع از مجرمانه بودن رفتار ارتكابی و آگاهی از نقض قانون به واسطه انجام فعل از شرایط تحقق آن است. قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» و اماره علم به قانون در این جا نیز جاری است و ادعای جهل نسبت به وجوب حجاب پذیرفته نخواهد بود.

دو. سوء نیت عام

سوء نیت عام؛ یعنی قصد فعل مجرمانه. به بیان دیگر، تعلق اراده بر نفس عمل مجرمانه صرف نظر از نتیجه آن. بنابراین، صرف این که زنی با اختیار و التفات، حجاب شرعی را رعایت نکند، بزه کار به شمار می رود.

سه. سوء نیت خاص (قصد تحصیل نتیجه)

پیش از این اشاره شد که جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، جرمی مطلق است که وجود سوء نیت خاص در تحقق آن نقشی ندارد. مدخلیت نداشتن سوء نیت خاص در تحقق این جرم با اطلاق تبصره قانونی آن نیز سازگار است؛ زیرا قانون، همه زنانی را که حجاب شرعی را مراعات نمی کنند، فارغ از قصد و انگیزه ایشان، مجرم می داند. البته اگر مرتکب جرم دارای انگیزه های مجرمانه ای مانند تشویق دیگران به بی حجابی یا تبلیغ علیه نظام باشد، به مجازات مربوط به هر یک از این جرایم مهم محکوم خواهد شد.^{۱۴} هم چنین رعایت

۱۴. ماده ۵۰۰ ق. م. ا: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

نکردن حجاب شرعی اگر به قصد انکار عامدانه و عالمانه ضرورت حجاب شرعی باشد، با جمع شدن شرایط دیگر، سبب تحقق «ارتداد» نیز می‌گردد.

۲. آیین دادرسی بزه رعایت نکردن حجاب شرعی

مراحل دادرسی کیفری جرایم جزایی عبارتند از: کشف، تعقیب، تحقیق، صدور حکم و اجرای حکم صادر شده.

الف) مرحله کشف

برابر بند الف ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳) که در سال ۱۳۸۱ اصلاح شد، دادسرا عهده‌دار کشف جرایم است. نهاد دادسرا در اجرای این وظیفه قانونی از روش‌های مختلفی بهره می‌جوید. در این میان، بهره‌گیری از گزارش‌های ضابطان دادگستری مهم‌ترین روش کشف جرم به وسیله «نهاد تعقیب» یعنی دادسراست. «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم... به موجب قانون اقدام می‌نمایند.»^{۱۵} ضابطان مکلف هستند پس از آگاهی از رخ دادن جرم، برای حفظ آثار و نشانه‌های جرم و جلوگیری از فرار متهم یا پنهان شدن او، اقدام‌هایی را که ضروری است، انجام دهند و مراتب را به دادسرا اعلان کنند. «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط دارند، با دادستان است.»^{۱۶} جرم رعایت نکردن حجاب شرعی در شمار جرایم مشهود است. مشهود بودن، ویژگی ماهوی این بزه است؛ زیرا مراعات حجاب شرعی، تنها در معابر و انظار عمومی، تکلیفی است که ترک آن جرم به شمار می‌رود. ضابطان دادگستری در برخورد با این جرم چه در مرئی و منظر ایشان انجام شده باشد و چه به واسطه اعلان دو نفر یا بیشتر که

۱۵. ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب

۱۳۷۸/۱/۲۲

۱۶. بند ب ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحیه ۱۳۸۱/۷/۲۸

شاهد ارتکاب جرم بوده‌اند و فرد معینی را بزه‌کار معرفی کنند، از رخ دادن آن آگاه شده باشند، باید «تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم معمول دارند»^{۱۷}.

امروزه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ضابط عام دادگستری برابر قانون نیروی انتظامی (مصوب ۱۳۶۹)، «مبارزه با منکرات و فساد» را به عنوان یک وظیفه قانونی در مقام ضابط دادگستری بر عهده دارد.^{۱۸} «اداره کل مبارزه با مفاسد اجتماعی» نیروی انتظامی نیز به طور خاص عهده‌دار کشف جرایم در این حوزه است. هم‌چنین «اداره کل اماکن عمومی» این نیرو عهده‌دار برخورد با تخلف فروشندگان زن در رعایت نکردن حجاب اسلامی است. بنابراین، نیروی انتظامی مکلف است با به کارگیری مستمر نیروهای خود، زنان بدون حجاب شرعی را شناسایی کند و ایشان را پس از توقیف، به مقام قضایی صالح تحویل دهد. بدیهی است بسنده کردن نیروی انتظامی به «ارشاد» ناقضان قانون، و جاهت قانونی ندارد و تخلف از اجرای وظیفه به شمار می‌رود. عدالت کیفری اقتضا می‌کند که متولیان اجرایی حقوق جزا با اهتمام به انجام مسئولیت‌های قانونی خویش، از ورود به حوزه‌های مفیدی که در صلاحیت کاری ایشان نیست، خودداری کنند.

نیروی مقاومت بسیج نیز «به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله» ضابط دادگستری به شمار می‌رود.^{۱۹} ماده یک «قانون حمایت قضایی بسیج» (مصوب ۱۳۷۰) در این باره چنین بیان داشته است:

به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود و در صورت عدم حضور ضابطان دیگر و یا

۱۷. ماده ۱۸ ق. آ. د. د. ع. ا.

۱۸. بند ۸ ماده ۸ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷.

۱۹. بند ۳ ماده ۱۵ ق. آ. د. د. ع. ا.

عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری

از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به

مراجع قضائی، اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.»

پس نیروی مقاومت بسیج نیز می‌تواند در برخورد با جرم مشهود رعایت

نکردن حجاب شرعی، به عنوان ضابط قضایی اقدام کند. تجویز قانون به اقدام

نیروی مقاومت بسیج در برخورد با جرایم مشهود، نشانه اهتمام قانون‌گذار به

تعقیب حتمی این قبیل جرایم است. بنابراین، حتی در وضعیتی که نیروی انتظامی

در صحنه حضور دارد، ولی از اقدام لازم و به موقع در برابر افراد بی حجاب

خودداری می‌کند، نیروی مقاومت بسیج مکلف به اقدام به موقع است. «عدم

اقدام به موقع ضابطین در شرایطی محرز است که ضابطین ذی ربط دیرتر به صحنه

برسند یا در صورت حضور، با جرم مورد نظر برخورد ننمایند.»^{۲۰} نیروی

مقاومت بسیج به تکالیف قانونی خود در این زمینه از طریق «مرکز اجرایی امر به

معروف و نهی از منکر» و نیروهای آموزش دیده این مرکز عمل می‌کند.

ضابطان دادگستری مکلف هستند پس از کشف جرم رعایت نکردن

حجاب شرعی از بدو پی‌گرد قانونی تا تسلیم متهم به مرجع قضایی، اقدام لازم

را در حفظ آثار و ادله جرم انجام دهند.^{۲۱} ماده چهار قانون «نحوه رسیدگی به

تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاءعام خلاف

شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند»، در این مرحله، خطاب به

ضابطان، حکم به توقیف افرادی داده است که بدون رعایت حجاب در انظار

عمومی ظاهر می‌شوند. پیش از تصویب این قانون، دادستان عمومی تهران در

سال ۱۳۶۰، دستور بازداشت افراد بی حجاب را به همه مأموران انتظامی

صادر کرده بود.^{۲۲} منظور قانون‌گذار از به کار بردن لفظ «توقیف» در این ماده،

۲۰. ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۲/۳/۳۰.

۲۱. ماده ۱۹ ق.آ.د.د.ع.ا.

۲۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۵، به نقل از: خبر ۳۸۶۱۴ سایت بازتاب.

صدور قرار تأمین بازداشت موقت به وسیله ضابط نیست؛ زیرا ضابطان حق تأمین گرفتن از متهم را ندارند. ۲۳ مراد از آن، زیر نظر قرار دادن متهم از زمان رخ دادن جرم تا هدایت و تسلیم وی به مراجع قضایی است. این امر از آن جهت ضرورت دارد که نبود حجاب شرعی، حالت و وضعیت موجود در یک زن است که مرتکب به سهولت می‌تواند با تغییر وضعیت خویش، آثار جرم را محو کند و اثبات بزه انتسابی را در دادگاه مشکل گرداند، به ویژه آن که اعتبار گزارش‌های ضابطان دادگستری نزد مقام قضایی مطلق نیست و به مورد وثوق بودن آن نزد وی بستگی دارد. ۲۴ بنابراین، قانون‌گذار لازم دیده است برای حفظ ادله و آثار جرم‌های یادشده که بر عهده ضابطان دادگستری قرار دارد، این ضابطان، مرتکب را بازداشت کنند و به مقام‌های صالح قضایی تحویل دهند. تخلف ضابطان از این تکلیف، ضمانت اجرای انتظامی و کیفری دارد. ۲۵ در صورت امکان نداشتن تحویل فوری متهم به دادسرا، به استناد ماده ۲۴ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب» که مقرر می‌دارد: «... چنان چه در جرایم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگه‌داری نموده»، ضابطان می‌توانند متهم را تا حداکثر مهلت مقرر قانونی در بازداشت نگه‌دارند. مقاومت زنان بی‌حجاب در برابر ضابطان دادگستری موجب تحقق جرم «تمرد نسبت به مأمورین دولتی» مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و در

۲۳. ماده ۱۹ ق. آ. د. د. ع. ا. : «... ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.»

۲۴. تبصره ماده ۱۵ ق. آ. د. د. ع. ا. : «گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.»

۲۵. ماده ۱۶ ق. آ. د. د. ع. ا. : «ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف، به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.»



نتیجه، پدید آمدن «تعدد مادی» جرایم و اعمال جمع مجازات‌ها نسبت به بی‌حجاب متمرّد می‌گردد.

شیوه‌های کشف جرم به وسیله نهاد دادسرا منحصر به گزارش ضابطان دادگستری نیست. در سال ۱۳۸۳، رئیس قوه قضاییه به استناد بند الف ماده یک «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه» (مصوب ۱۳۷۸)، «ستاد حفاظت اجتماعی» را تأسیس کرد. این ستاد که با هدف پیش‌گیری از جرم و پاک‌سازی جامعه از عناصر مجرم^{۲۶} تشکیل شده، وابسته به تشکیلات دادگستری استان است و زیر نظر دادستان فعالیت می‌کند. این ستاد با تشکیل «هسته»های مختلف و عضوگیری از میان مردم، به جمع‌آوری اطلاعات محلی و مردمی می‌کند و با ارجاع آن به مقامات قضایی، به تعقیب جرایم مختلف می‌پردازد. گفتنی است معاون اجرایی قوه قضاییه در همان سال در سخنانی تأمل برانگیز تصریح کرد که این ستاد وارد بحث حجاب نمی‌شود، «بلکه فقط برای جرایم محل امنیت و آسایش مردم فعال خواهد بود».^{۲۷} به طور

۲۶. ماده ۳ آیین‌نامه ستاد حفاظت اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۷/۲۳ رئیس قوه قضاییه.

۲۷. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۳/۱۰/۱۱، خبر شماره: ۰۳۶۹۹-۸۳۱۰: «سؤال شد: در برخی مباحث مثل حجاب که محل بحث است، ستاد چه گونه عمل می‌کند؟ سهراب بیگ: اگر کسی حجاب محکم نداشته باشد، چون محل امنیت نیست، ستاد وارد آن نمی‌شود. صراحتاً می‌گویم، ستاد وارد بحث حجاب نخواهد شد، بلکه فقط برای جرایم محل امنیت و آسایش مردم فعال خواهد بود؛ یعنی اگر کسی متعرض همین خانم که حجاب محکم ندارد، شد و خواست او را اذیت کند، ستاد جلوی او را خواهد گرفت. اعضای ستاد حفاظت اجتماعی ممنوع هستند که وارد چنین مقولاتی شود. ستاد وارد مباحثی می‌شود که در آن وفاق عمومی است. مثلاً هیچ حزبی نیست که موافق توزیع مواد مخدر و فیلم‌های مبتذل و مستهجن باشد و یا موافق شرارت و مزاحمت برای نوامیس و بچه‌دزدی و آدم‌ربایی باشد. در مورد حجاب و حدود آن مسئولان فرهنگی باید تلاش کنند و به

کلی، ضابطه کاری ستاد، آیین نامه مصوب آن است که به پیش گیری از «کلیه جرایم» و از آن جمله، جرم مسلم رعایت نکردن حجاب شرعی اشاره کرده است؛ امری که در رویه عملی ستاد به چشم می خورد.

ب) مرحله تعقیب

تعقیب متهم به نمایندگی از جامعه بر عهده دادسراست. جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از جمله جرایم عمومی و غیر قابل گذشت است. ماده ۳ «قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری» (مصوب ۱۳۷۸) مقرر داشته است:

تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، برابر ضوابط قانونی بر عهده رئیس حوزه قضایی می باشد.

امروزه بنابر قانون معروف به «احیای دادسراها» دادستان یا همان مدعی العموم عهده دار تکلیف است. ضابطان دادگستری پس از کشف جرم، موضوع را به دادسرا ارجاع می دهند و دادسرا به نمایندگی از جامعه به اقامه دعوا می پردازد. دادرسی در نظام حقوقی ایران مبتنی بر «سیستم قانونی بودن تعقیب» است. در این روش، دادسرا مکلف است هرگاه عمل ارتكابی از نظر قانون، جرم باشد، بزه کار را تعقیب کند و حق اظهار نظر درباره متناسب و مفید بودن یا نبودن تعقیب را ندارد. ارزش مندی این روش به آن است که بر مبنای آن، هر جرمی تحت تعقیب قرار می گیرد و قطعیت اجرای مجازات به

> مردم آگاهی بدهند. ما بی حجاب نداریم، بدحجاب داریم و با حرکات خشن و یا مجازات های سنگین برای این موضوع موافق نیستیم. بهترین مقابله با بدحجابی، کار فرهنگی است و بالا بردن اطلاعات مذهبی مردم و آموزش های عمومی. به هر حال تأکید می کنم ستاد حفاظت اجتماعی به موضوع بدحجابی به عنوان یک مسئله که باید با برخورد با آن مقابله شود، نگاه نمی کند. کار ستاد حفاظت اجتماعی، جرایم مخل آسایش و امنیت عمومی است.»

عنوان لازمه عبرت‌آموزی اعمال سیاست‌های کیفری متزلزل نمی‌شود. بنابراین، دادسرا در برخورد با جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، هرگز حق استنکاف از تعقیب متهم را ندارد. هم‌اکنون دادسرای ناحیه ۲۱ در تهران موسوم به «ارشاد»، عهده‌دار تعقیب جرایم منکرانی و مفساد اجتماعی است.

ج) مرحله تحقیق

«تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم بر عهده بازپرس می‌باشد.»^{۲۸} البته قانون این اجازه را به ضابطان داده است که در مورد جرایم مشهود، عهده‌دار تحقیقات مقدماتی گردند. قانون‌گذار برای جلوگیری از اشاعه فحشا، تحقیق در جرایم منافی عفت را ممنوع اعلام کرده است «مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی صورت می‌گیرد».^{۲۹} بنابراین، جرم ظاهر شدن بدون حجاب در انظار عمومی، تحقیق بردار است و هم ضابطان و هم بازپرس به عنوان مقام تحقیق می‌توانند در راستای تکمیل پرونده، تحقیقات انجام دهند. تبصره الحاقی به ماده ۳ «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» (مصوب ۱۳۸۱) اعلام کرده است:

... جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می‌باشد و جرایم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های مربوطه مطرح می‌شود.

به دیگر سخن، پرونده‌های چنین جرایمی بدون نیاز به انجام تحقیقات مقدماتی به وسیله مقامات تحقیق به دادگاه مربوط ارجاع می‌شود. جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از شمول این حکم خارج است؛ زیرا مجازات‌های اصلی آن حبس یا جزای نقدی است، در حالی که این ماده مذکور منصرف به جرایمی است که مجازات آن تنها حبس یا جزای نقدی تا سقف مبلغ مورد نظر

۲۸. بند و ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا.

۲۹. تبصره ماده ۴۳ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

باشد. مقام تحقیق مکلف است پس از احراز هویت دقیق متهم، اتهام وارد شده را به وی تفهیم کند و پس از آن، دفاع متهم را بشنود و آن‌گاه در صورت نیاز، درباره شیوه ارتکاب جرم، زمان و مکان آن و موارد دیگر، از متهم بازجویی کند. از آن‌جا که متهم این جرم مؤنث است، مقام تحقیق موظف به رعایت موازین شرعی در امر تحقیقات است و باید به گونه‌ای برخورد کند که از مظان اتهام فاصله داشته باشد.^{۳۰} بازپرس پس از پایان یافتن تحقیقات، با احراز تحقق بزه رعایت نکردن حجاب شرعی و انتساب آن به متهم با صدور «قرار مجرمیت»، پرونده را جهت تأیید دادستان و صدور کیفرخواست کیفری نزد وی بفرستد.

د) مرحله دادرسی

دادگاه صالح در این مرحله خطیر درباره براهت یا مجرمیت متهم تصمیم‌گیری می‌کند. اولین موضوع در مرحله دادرسی، تعیین صلاحیت دادگاه برای آغاز رسیدگی است. رویه جاری دادگاه‌های دادگستری این است که دادرسی پرونده‌های مربوط به جرایم منافی عفت و از جمله جرم «بی‌حجابی» در محاکم عمومی کیفری صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد در مواردی، رسیدگی به جرم بی‌حجابی باید در دادگاه انقلاب صورت پذیرد. برابر ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به «کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض» در صلاحیت دادگاه انقلاب است. جرم رعایت نکردن حجاب شرعی آن‌گاه که زمینه‌ساز اشاعه فحشا در جامعه اسلامی بوده و هتک‌کننده ارزش‌های اسلامی مورد حمایت انقلاب اسلامی باشد، مشمول عنوان «افساد فی الارض» خواهد بود. «اهتمام به آراستگی سیمای جامعه به مظاهر اسلام و انقلاب اسلامی» از جمله سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی است که در سال ۱۳۷۸ به تصویب^{۳۰} ماده ۱۳۰ ق. آ. د. د. ع. ا. ک: «... رعایت موازین شرعی در مورد متهمین زن ضروری می‌باشد».

شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است.^{۳۱} بنابراین، ظاهر شدن زنان در معابر جامعه اسلامی بدون مراعات حجاب شرعی و استفاده ایشان از لباس های خلاف شئون اسلامی و آرایش های تحریم شده را باید در تعارض و تقابل با سیاست های نظام تلقی کرد. این استدلال در گذشته مورد تأیید و تأکید مقامات قضایی قرار داشته که متأسفانه با مرور زمان و رخنه روحیه مسامحه کاری در برخورد با مفاسد اجتماعی، از این رویه لازم و قانونی نیز عدول شده است. شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۶ در بخش نامه ای چنین ابلاغ کرد:

نظر به این که ضد انقلاب با استفاده از عناوین و مساعدت های قانونی به پایگاه های فکری و فرهنگی و اخلاقی جامعه اسلامی رخنه و حمله نموده، سعی دارد با خلاف کاری در رفتار و اعمال اجتماعی، فساد اخلاقی و جنسی و بی بندوباری اعتقادی را بر پایه های غرب باوری نفوذ و شیاع دهد، لازم است آقایان قضات محترم با توجه به حساسیت زمان و فرصت تاریخی استثنایی که در آن به سر می بریم، به دور از رأفت بی جایی که بعضاً اعمال می شود، در کلیه مظاهر این حرکت ضدانقلابی فسادانگیز و فتنه انگیز به دقت نظر کنند و مراجع قضایی عمومی که صلاحیت رسیدگی به جرایم عمومی را دارند، در هر مورد که ارتکاب رشا و ارتشا و اختلاس جرایم علیه اموال و حقوق عمومی، جرایم علیه عفت و عصمت عمومی فحشا و منکرات در رفتار مبتذل غرب گرایانه در پوشش و آرایش و دیگر جرایم که عنواناً به منظور بر هم زدن امنیت سیاسی و اقتصادی کشور یا غارت بیت المال به

۳۱. بند ۷ سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوب جلسه ۴۵۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۴.

نظر می‌رسد، پرونده را برای رسیدگی قانونی به استناد ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب حسب مورد به دادسرا یا دادگاه انقلاب اسلامی محل ارسال نمایند. دادسراها و دادگاه‌های انقلاب با کلیه مظاهر این حرکت‌های مخمل امنیت نظم عمومی و مضر به مصالح انقلاب پیروز اسلامی طبق قانون برخورد نموده، اجازه نخواهند داد دسته‌های مفسدین جبهه جدیدی در حیطه فرهنگ و شئون اجتماعی در برابر انقلاب باز کنند.

دادستان کل کشور در همان سال بر اساس بخش‌نامه شورای عالی قضایی با صدور بخش‌نامه‌ای تأکید کرد که درباره «هرگونه اعمال مخالف عفت عمومی، فحشا و منکرات، رفتارهای مبتذل غرب‌گرایانه و مشابه آن با انگیزه ضدیت و دهن‌کجی به نظام و اخلال در امنیت سیاسی و یا اخلاقی... شایسته است کلیه دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی نسبت به پذیرش این قبیل پرونده‌ها از مراجع انتظامی و پی‌گیری قاطع و رسیدگی دقیق و مجازات متخلفین و مجرمین وفق ضوابط شرعی و قانونی اقدام نمایند». ۳۲ بنابراین، مقامات تحقیق مکلف هستند در مرحله تحقیقات مقدماتی، درباره انگیزه مجرمانه مرتکب جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، تحقیقات لازم را انجام دهند تا حسب مورد، پرونده مجرم را به دادسراهای انقلاب بفرستند. برای نمونه، کشف حجاب عمدی که در مقاطعی حتی مؤثرتر از تحریک و تشویق رسانه‌های ضد انقلاب است، اقدامی ضد انقلابی و مفسدانه خواهد بود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است.

پس از ارجاع پرونده به دادگاه صالح، دادرس باید بر مبنای گزارش ضابطان و تحقیقات مقدماتی انجام شده در صورتی که مورد وثوق او باشد،

۳۲. محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، صص ۲۸۵ و ۲۸۶.

مهم‌ترین اقدام ایجابی در توسعه فرهنگ عفاف در جامعه اسلامی، تبیین ضرورت آن و ایجاد اقتناع درونی نسبت به ضروری و نافع بودن آن در میان بانوان است و مهم‌ترین گام در عرصه برخورد با بی‌حجابی، ضروری دانستن برخورد قضایی با عوامل بی‌حجابی است. انفعال در برابر رشد چشم‌گیر پدیده بی‌حجابی و افزایش هنجارشکنی‌های اجتماعی در مقابل گسترش موج احیای آرمان‌ها و ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی جز تزلزل موقعیت متولیان منفعل، سودی برای ایشان در پی نخواهد داشت.

وارد رسیدگی ماهوی به اتهام‌های متهم شود. دادرس برای اثبات بزه انتسابی، از قاعده «آزادی دلیل در امور کیفری» بهره می‌گیرد. اقرار متهم، گزارش جامع ضابطان دادگستری، شهادت دو شاهد قانونی و علم قاضی، روش‌های اثبات جرم رعایت نکردن حجاب شرعی هستند. به دلیل وجود جنبه حق‌اللهی بزه مورد بحث، محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و حکم محکومیت غیابی نمی‌توان صادر کرد^{۳۳}. الزام قانونی، در توقیف بودن متهم از زمان دستگیری تا تسلیم به مقام قضایی، تضمین مناسبی برای حضور متهم و معطل نماندن محاکمه اوست. بنابر دستور قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند»، به جرم مورد بحث باید فوری و خارج از نوبت رسیدگی شود. پیش از این اشاره شد که مرتکب این جرم باید فوری پس از توقیف از سوی ضابطان و انجام تحقیقات لازم به مقام قضایی تسلیم شود. حکم صادر شده از سوی دادگاه صالح در مورد جرم

۳۳. مستنبط از تبصره ۲ ماده ۲۱۷ ق. آ. د. ع. ا. ک. که مقرر داشته است: «در جرایمی که جنبه حق‌اللهی دارد، چنان‌چه محتویات پرونده، مجرمیت متهم را ثابت نماید و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند غیاباً رأی بر براءت صادر نماید».

رعایت نکردن حجاب شرعی به استناد ماده ۲۳۲ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب» (مصوب ۱۳۷۸)، حکم قطعی و تجدیدنظر ناپذیر است.^{۳۴}

رعایت نکردن حجاب شرعی افزون بر به هم زدن نظم عمومی و زیر سؤال بردن اخلاق حسنه حاکم بر جامعه، در بیشتر موارد، نشان‌دهنده معیوب بودن سلامت اخلاقی مرتکب آن است. بنابراین، به نظر می‌رسد دادرس باید با توجه به این واقعیت، در مواردی که مقتضی است،^{۳۵} افزون بر محکومیت بی حجاب به مجازات مقرر قانونی، وی را به مجازات ترمیمی «محرومیت از حقوق اجتماعی» موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم کند.^{۳۶} ضرورت محکومیت زن بدون حجاب شرعی به محرومیت از حقوق اجتماعی از قبیل: حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی، استخدام در شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلابی، وکالت دادگستری و استفاده از نشان دولتی که تبصره یک ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی آنها

۳۴. ماده ۲۳۲ آ.د.د.ع.ا.ک: «آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است مگر در موارد ذیل که قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد: ... - جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال باشد».

۳۵. دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰-۱۱/۵-۱۳۷۲، اعمال مجازات‌های بازدارنده مقرر در ماده ۱۹ را مربوط به مواردی دانسته است که مجرم، «مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیر مقرر در قانون برای تنبیه مرتکب کافی نباشد».

۳۶. تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی با برشمردن برخی مصداق‌های حقوق اجتماعی، آن را چنین تعریف کرده است: «حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد.»

را احصا کرده، از محکومیت به مجازات اصلی مقرر نیز بیشتر است؛ زیرا با اعمال مجازات تمیمی، حوزه‌های خطیر حاکمیتی از لوث وجود مرتکبان جرایم علیه عفت و عصمت عمومی در امان می‌ماند. نگارنده معتقد است در فرض تغییر احتمالی قانون مربوط به جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان جرم اصلی باید حفظ شود. بدیهی است فردی که برای تظاهر به بی‌حجابی خود، روزانه مبالغ فراوانی را هزینه می‌کند، محکومیت به جزای نقدی، در پیش‌گیری از تکرار جرم وی اثری نخواهد گذاشت.

هـ) مرحله اجرای احکام

اجرای احکام، مرحله نهایی دادرسی‌های کیفری است. «هرگاه رأی به براءت یا منع تعقیب یا موقوفی تعقیب متهم صادر شود، رأی بلافاصله توسط دادگاه اجرا می‌شود.»^{۳۷} حکم قطعی محکومیت متهم به وسیله دادرسی واحد اجرای احکام کیفری اجرا می‌شود. مجازات‌های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، حبس یا جزای نقدی است. «اشخاصی که محکوم به حبس هستند، با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر به زندان معرفی شوند.»^{۳۸} «مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا حبس شود.»^{۳۹} «در اجرای حکم به جزای نقدی، میزان محکوم به باید به حساب خزانه دولت، واریز و برگه رسید آن پیوست پرونده شود.»^{۴۰}

۳۷. ماده ۲۸۷ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۳۸. ماده ۲۹۴ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۳۹. ماده ۲۹۵ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۴۰. ماده ۲۹۹ ق.آ.د.د.ع.ا.ک.

۳. راه کارهای برخورد با بزه رعایت نکردن حجاب شرعی

ظاهر شدن زنان در معابر و انظار عمومی بدون رعایت حجاب شرعی، جرم مسلمی است که با هر قصد و انگیزه‌ای صورت پذیرد، زیر سؤال بردن یکی از «ضروریات فقهی» است و ضمانت اجرای کیفری دارد. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارای قوه و امکان کافی در برخورد با پدیده موسوم به «بی‌حجابی» است، ولی نبود رویه و سیاست واحد، قاطع و مستمر در استفاده و بهره‌گیری از آن به وسیله نیروهای اجرایی موجب ناکارآمدی و بازدهی نامطلوب آن در سالیان پس از دوره اجباری شدن قانون حجاب شده است. در این میان، جریان معاند فرهنگ اسلامی نیز با فرصت‌طلبی از نابسامانی مدیریت حاکم بر حوزه فرهنگ عفاف، با مانع‌تراشی‌های مختلف و استفاده از قدرت رسانه‌ای و طرح مسائلی مانند نبود قانون حجاب یا تعریف نشدن حجاب و تبیین حدود آن در قانون، با تشویش اذهان عمومی، بر اراده کارگزاران حکومتی در برخورد با مفساد اجتماعی نیز اثر منفی می‌گذارد. این در حالی است که همان مقدار قوانین موجود مربوط به جرم رعایت نکردن حجاب به اجرا در نمی‌آید. به راستی اگر قرار بر آن بود که قانونی اجرا نگردد، چه ضرورتی به تصویب هزینه بر آن است. ضروری بودن قطعیت اجرای احکام به آن حد است که حتی «قوانین خلاف مصالح جامعه نیز باید اجرا شود تا در فرصتی مناسب، قانون‌گذار، آن را اصلاح و با وجدان‌بیدار جامعه و نیازهای واقعی کشور و مصالح ملی، سازگار کند». ^{۴۱} لازمه تحقق عدالت اجتماعی به عنوان زیربنای جامعه مدنی اسلامی، نهادینه شدن هر امری در بستر قانونی خویش است و اجرای حتمی قوانین کیفری و به کیفر رساندن ناقضان قانون از مقتضیات بدیهی

۴۱. آیین دادرسی کیفری، ج ۴، ص ۶۳.

آن به شمار می‌رود. ژوزف دومستر، فیلسوف فرانسوی می‌نویسد:

شمشیر عدالت هیچ گاه نیام ندارد. مرتب باید تهدید کند و
فرود آید^{۴۲}.

بهره‌گیری از راه‌کارهای انتظامی و قضایی در برخورد با بی‌حجابی و مظاهر مختلف آن، از ضروریات حتمی سیاست توسعه فرهنگ عفاف و حجاب است؛ زیرا بذل عفت و حجاب در شوره‌زار بی‌حجابی و بی‌عفتی هیچ‌گاه به ثمر نخواهد نشست. به این دستور سیر و سلوک اخلاق فردی در مسیر اخلاقی کردن جامعه نیز باید توجه کرد که رفع رذایل، بر کسب فضایل مقدم است. بنابراین، تا زمانی که کارگزاران حکومتی در برخورد با مفاسد اجتماعی و ناقضان قانون ترقی حجاب، اقدام مؤثر و مستمری در پیش نگیرند، هرگونه سیاست ایجابی در توسعه فرهنگ حجاب بازدهی نخواهد داشت. نگارنده بر این عقیده است تا زمانی که قوانین موجود به صورت مستمر و جدی اجرا نشود، قضاوت در مورد میزان تأثیر به‌کارگیری راه‌کارهای انتظامی و قضایی در جلوگیری از گسترش جرم بی‌حجابی صحیح نخواهد بود. واقعیت آن است که تا کنون به جز طرح‌های مقطعی و غیرجامع، مجموعه مدیریتی حاکم، سیاست مستمری در برخورد با پدیده بی‌حجابی نداشته است. مهم‌ترین اقدام ایجابی در توسعه فرهنگ عفاف در جامعه اسلامی، تبیین ضرورت آن و ایجاد اقتناع درونی نسبت به ضروری و نافع بودن آن در میان بانوان است و مهم‌ترین گام در عرصه برخورد با بی‌حجابی، ضروری دانستن برخورد قضایی با عوامل بی‌حجابی است. انفعال در برابر رشد چشم‌گیر پدیده بی‌حجابی و افزایش هنجارشکنی‌های اجتماعی در مقابل گسترش موج احیای آرمان‌ها و ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی جز تزلزل موقعیت متولیان منفعل، سودی برای ایشان در پی نخواهد داشت.



در پایان، پیش‌نهادهایی برای بهره‌گیری از راه‌کارهای انتظامی و قضایی در مسیر مبارزه با پدیده بی‌حجابی بیان می‌شود:

۱. الحاق یک تبصره به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برای تعریف حجاب شرعی. تقریر تبصره مذکور این‌گونه پیش‌نهاد می‌شود: «کیفیت حجاب شرعی عبارت است از پوشیده بودن تمام اعضای بدن به جز صورت و کفین با هر پوششی که سبب جلب توجه نگردد.»

۲. افزایش قانونی مجازات مقرر برای جرم رعایت نکردن حجاب شرعی با انضمام مجازات محرومیت موقت از حقوق اجتماعی با تمرکز بر محرومیت از دریافت رایگان امکانات دولتی و نیز توصیه به دادرسان برای اعمال مجازات بازدارنده یادشده در شرایط فعلی.

۳. اختصاص دادن شعبه‌ای از دادگاه‌ها جهت رسیدگی خارج از نوبت و فوری به جرم رعایت نکردن حجاب شرعی و استفاده از مستشاران قضایی زن در آن.

۴. به‌کارگیری مستمر و منظم گشت‌های محسوس و نامحسوس مخصوص ارشاد به وسیله نیروی انتظامی برای بازداشت بانوان بی‌حجاب و تحویل فوری ایشان به دادسرا و به‌کارگیری توان پلیس زن در این گشت‌ها در کنار اعمال جزای نقدی رانندگان بی‌حجاب و وسایل نقلیه به وسیله مأموران راهنمایی و رانندگی در قالب جریمه تخلفات رانندگی.

۵. الحاق سیاست‌های جدید به تصویب‌نامه راه‌بردهای گسترش فرهنگ عفاف شورای عالی انقلاب فرهنگی مبتنی بر اعلان سیاست‌های سلبی و انتظامی و قضایی در این حوزه برای دست‌یابی به رویه واحد.

۶. سامان‌دهی نظارت صنفی بر فروشگاه‌های عرضه لباس و پوشاک برای پیش‌گیری از نمایش مانکن‌هایی که شیوه تزئین آنها ترویج‌دهنده بی‌حجابی است. بدیهی است اثر منفی مانکن‌های دارای لباس‌های خلاف شرع از

تبلیغات هنجارشکنانه رسانه‌های تصویری در ماهواره و مانند آن بیشتر است.

نتیجه گیری

در حال حاضر، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، رکن قانونی تشکیل دهنده جرم رعایت نکردن حجاب شرعی است. مجازات مقرر در این تبصره، تنها کیفر قانونی برای محکوم کردن بزه‌کار است. نداشتن حجاب شرعی، حالتی عدمی و ترک فعلی است که به حوزه امنیت اخلاقی جامعه اسلامی خلل وارد می‌سازد. همه زنانی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران ساکن هستند، در فرض رعایت نکردن حجاب شرعی، ناقض قانون و مستوجب مجازات به شمار می‌آیند. البته ارتکاب این بزه را برای مرتکبان دارای موقعیت‌های خاص می‌توان تخلفی صنفی و اداری نیز دانست.

وسیله ارتکاب جرم رعایت نکردن حجاب شرعی در تحقق این جرم طریقت دارد، ولی تولید لباس‌هایی که حجاب شرعی را تأمین نمی‌سازد، تهیه وسیله ارتکاب این جرم به شمار می‌رود؛ زیرا جرم رعایت نکردن حجاب شرعی در شمار جرایم معاونت‌بردار است. مطلق بودن جرم مورد بحث، بر کفایت سوءنیت عام در تحقق عنوان مجرمانه یاد شده دلالت دارد.

برخورد قضایی با جرم بی‌حجابی از مرحله کشف جرم که به وسیله نهاد دادرسی و با کمک ضابطان قضایی صورت می‌پذیرد، آغاز می‌شود و تا صدور حکم از سوی مرجع قضایی صالح تداوم خواهد داشت. اصل بر آن است که در دادگاه‌های عمومی به جرم بی‌حجابی رسیدگی شود، ولی در موارد خاصی که نیازمند احراز قضایی است، مرتکب این بزه ممکن است به عنوان متهم به فعل مخل امنیت داخلی یا افساد فی الارض در دادگاه انقلاب محاکمه شود. قانون‌گذار و دادرسان می‌توانند محرومیت ناقضان قانون حجاب شرعی از حقوق اجتماعی را به عنوان مؤثرترین مجازات بازدارنده در نظر بگیرند.

